

که بر این امت ستم روا داشته و حقوق آنان را غصب کرده و بر اموال و دارایی‌های آنان مسلط شده است. او بر پیروان تو بدون رضایت آن‌ها حکومت می‌راند. نیکان آنان را می‌کشد و بدان آنان را باقی می‌گذارد، مرگ بر او باد همچنان که بر قوم ثمود چنان رفت. او پیشوای ما نیست، زود نزد ما بیا، شاید خداوند به واسطهٔ تو ما را به راه راست هدایت کند». امامت و سیاست، ص ۲۳۳. الإمامة و السياسة، ج ۲، ص ۷.

۴۱. «آه سلیمان بن صرد، و کان غائباً عن الکوفة، و کان سید أهل العراق و رأسهم. فدخل علی الحسن، فقال: السلام علیک یا مذل المؤمنین، فقال الحسن: و علیک السلام، اجلس. لله أبوک، قال: فجلس سلیمان، فقال: أما بعد، فإن تعجبنا لا ینقض من بیعتک معاویة و معک مائة ألف مقاتل من أهل العراق. ابن قتیبه دینوری، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۸۵.

۴۲. «کتاب الحسین الیهم جمیعاً کتاباً واحداً، بسم الله الرحمن الرحیم، من الحسین بن علی الی من بلغه کتابی هذا، من اولیائه و شیعتہ بالکوفة، سلام علیکم، اما بعد، فقد أتتني کتیبکم، و فهمت ما ذکرتم من محبتکم لقد و می علیکم، و انی باعث الیکم بأخی و ابن عمی و ثقتی من اهلی مسلم بن عقیل لیعلم لی کنه امرکم، و ینتبی الی بما ینتبی له من اجتماعکم، فان کان امرکم علی ما أتتني به کتیبکم، و أخبرتني به رسلمکم اسرعت القدوم علیکم ان شاء الله، و السلام» ابوحنیفه دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۳۰.

۴۳. «و قال ع فی مسیره الی کربلاء ان هذہ الدنیا قد تغیرت و تدرت و اذرت مغزوفها فلم ینق منها الا صباية کصباية الیناء و حبسب عیش کالمرعی الویل الآ ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا ینتاهي عنه لیرغب المؤمن فی لقاء الله محققاً فانی لا أری الموت الا سعاده و لا الحیاة مع الظالمین الا تریماً ان الناس عبید الدنیا و الدین لقی علی ألسنتهم یخو طونه ما درت معایشهم فإذا مخصوا بالبلاء قل الذائون. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵ و شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۵۰ و ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۶۸ و ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۵، ص ۴۰۴.

۴۴. سوره انفال ۲۴: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد.

۴۵. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ص ۱۴۴.

۴۶. البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر المقدسی، ج ۶، ص ۸. نسخه بدل: وان تاتوا

۴۷. فلعمری ما الإمام الالحاکم بالکتاب القایم بالفسط الدائن پدین الحق الخاپس نفسه علی ذات الله و السلام. شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۹.

۴۸. «مراجع و علمای اسلام بعضی محصور و برخی محبوس، بازار مسلمین در حال غارت، دولت مانع تبلیغ دین توسط مبلغین می‌شوند، و با ما معامله بردگان قرون وسطی می‌کنند، به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم. ائی لا آری الموت الا سعاده و لا الحیاة مع الظالمین الا تریماً. صحیفه امام خمینی، ج ۱، ص ۱۴۱.

تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۱۹۸.

۲۴. فتحعلی، محمود. «سعادت در فلسفه اخلاق». نشریه علمی-پژوهشی معرفت، سال ۴، ش ۱۵، ص ۴۰، به نقل از مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۷، ص ۵۵ و ۵۵.

۲۵. همان، به نقل از آیه الله مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ص ۱۹ و ۲۰.

۲۶. سوره هود، ۱۰۸ و ۱۰۵. لفظ شقاوت و شقی ۱۴ بار مورد اشاره قرار گرفته است، از جمله آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره هود. ۴، ۳۲ و ۴۸ سوره مریم. ۱۰۶ سوره مؤمنون.

۲۷. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲۸. تفسیر منسوب به امام حسن العسکری علیه السلام، ص ۹۴.

نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۲۲۱: فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَمَّا طَرَفُهُ فَيُفَوِّهُ لِأَرْبَعَةٍ أَوْ سَعَادَةٍ دَائِمَةٍ فَتَرَوْهُ وَ أُوَّ فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ.

۲۹. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَذَا الْقُرْآنُ هُوَ النُّورُ الْمُبِينُ، وَ الْحَبْلُ الْمَتِينُ، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ الدَّرَجَةُ الْعُلْيَا، وَ السَّقَاءَةُ الْأَشْفَى، وَ الْقُضَيْلَةُ الْكُبْرَى، وَ السَّعَادَةُ الْعُظْمَى. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۱.

۳۰. وَ بِأَشْرَفِ السَّعَادَةِ سَعْدُكُمْ- جِبْنَ بِمَحْمَدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ ع فُرْتُمْ، تفسیر منسوب به امام حسن العسکری علیه السلام، ص ۶۲۶ و تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۳ و کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۴۴.

۳۱. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۳۶۵.

۳۲. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۲۷۹.

۳۳. جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: مَا أَشْبَهْتَهُمْ بِهَيْمٍ! ثُمَّ يَذُرُكَ أَحَدُهُمْ سَعَادَةً قَبْلَ مَوْتِهِ، وَ لَوْ بِفَوَاقِ نَاقَةٍ. وَ قَدْ يُسَلِّكُ بِالْأَشْقِيَاءِ طَرِيقَ أَهْلِ السَّعَادَةِ حَتَّى يُقَالَ: هُمُ مِنْهُمْ، هُمُ هُمُ، مَا أَشْبَهْتَهُمْ بِهَيْمٍ! ثُمَّ يَذُرُكَ أَحَدُهُمْ سَقَاوَةً وَ لَوْ قَبْلَ مَوْتِهِ، وَ لَوْ بِفَوَاقِ نَاقَةٍ. وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ، الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ، الْعَمَلُ بِخَوَاتِيمِهِ. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۵.

۳۴. صدوق، خصال، ج ۱، ص ۵.

۳۵. وَأَنْ يُحْتَمِ لِي وَ لِكَ بِالسَّعَادَةِ وَ السَّهَادَةِ إِنَّمَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. سید رضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۴۵ و صحیفه سجادیه، ص ۱۳۲.

۳۶. عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ ثَمَانِ خِصَالٍ فَقَدْ أَسْبَغَ عَلَيْهِ النُّعْمَةَ وَ أَكْمَلَ لَهُ الْكِرَامَةَ مَسْكِنًا وَ أَسْبَعًا وَ مَكْسِبًا فَاضِلًا وَ خَادِمًا مُوَافِقًا وَ بَدَلًا أَمِينًا وَ جَارًا مُسَالِمًا وَ أَحْفًا مُؤْمِنًا وَ زَوْجَةً صَالِحَةً وَ تَمَّمَ ذَلِكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الْعَافِيَةِ. قرب الإسناد، ص ۷۷. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ص ۶۳.

۳۷. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۶۲.

۳۸. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِ رَاحَةٌ دَائِمَةٌ وَ أَسْعَةٌ تَوَارَى عَوْرَتُهُ وَ تَسْتُرُ خَالَهُ مِنَ النَّاسِ وَ أَمْرًا صَالِحَةً تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ أَوْ خَرَجَتْ مِنْ مَنْزِلِهِ لِمَا يَمْوُتُ أَوْ يَتْرُوكُ. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۰.

۳۹. فقه منسوب به امام رضا علیه السلام، ص ۳۷۳.

۴۰. برای حسین بن علی، از طرف سلیمان بن صرد و مسیب و رفاعة بن شداد و مؤمنان کوفه که همگی از پیروان تو هستند. بدان خداوند دشمن ستمگر تو را شکست خواهد داد، کسی

پی‌نوشت

- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵). «حکومت سعادت‌گرا در اندیشهٔ سیاسی علامه طباطبایی». حکومت اسلامی، ش ۷۹، ص ۵۴.
- Eudaimonia
- فتحعلی، محمود. «سعادت در فلسفه اخلاق». نشریه علمی-پژوهشی معرفت، سال ۴، ش ۱۵، ص ۴۰، به نقل از دایرة المعارف فلسفه اخلاق، ص ۱۱۸۷.
- همان، به نقل از دایرة المعارف فلسفه اخلاق، ص ۹۷۴ و تاتلستوس، ص ۱۷۶، به نقل از تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۵، ص ۲۵۴.
- ارسطو (۱۹۷۹). اخلاق نیکوماخوس. ترجمه: اسحاق بن حنین، تحقیق دکتر عبد الرحمن بدوی. کویت: وكالة المطبوعات، ص ۵۷.
- همان.
- همان، ص ۶۶.
- همان، ص ۷۰.
- فتحعلی، محمود. «سعادت در فلسفه اخلاق». نشریه علمی-پژوهشی معرفت، سال ۴، ش ۱۵، ص ۴۰، به نقل از کاپلستون، ترجمه تاریخ فلسفه، ج ۱، ص ۴۶۷، ۴۵۶. الفلسفه الاولي، ص ۱۱۵.
- مدبری و اخوان (۱۳۹۷). «بررسی ماهیت سلبی سعادت در اخلاق و وظیفه‌گرایی کانت». نشریه معرفت اخلاقی، سال ۹، ش ۳۳-۵۰.
- ابن منظور. لسان العرب. ج ۳، ص ۲۱۳.
- راغب اصفهانی. مفردات الفاظ قرآن کریم. ج ۲، ص ۳۴۱-۳۴۰.
- قال الجوهري: «السَّعَادَةُ وَ السَّقَاوَةُ، بِالْفَتْحِ، تَقْبِضُ السَّعَادَةُ الصَّاحِبَ، ج ۶، ص ۲۳۹۴.
- علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۶). روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق، ص ۱۱۱-۱۱۲.
- فتحعلی، محمود. «سعادت در فلسفه اخلاق». نشریه علمی-پژوهشی معرفت، سال ۴، ش ۱۵، ص ۴۰، به نقل از الفلسفه الاولي، ص ۱۱۵.
- همان، به نقل از رسائل فلسفیه، ص ۳۹ و التنبيه علی سبیل السعادة.
- همان، به نقل از کیمیای سعادت، ص ۶۸ و ۸۷.
- همان، به نقل از ص ۸۰.
- محمد بن ابراهیم، ملاصدرا شیرازی. اسفار. قم: چاپ مصطفوی، ج ۹، ص ۱۲۱.
- امام خمینی (۱۳۷۹). الطلب و الزاده. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، امر رابع: معنای سعادت و شقاوت، ج ۱، ص ۷۳.
- همان، ص ۷۴.
- امام خمینی (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳، ص ۴۴۹-۴۵۰.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۵). تفسیر المیزان.